



Politics

GREAT HOPES

of which nations
get international
ments of all
section of the

AND RUSSELL
written during the war, assumes
in view of the setting-up of the
Organisation.

It is obvious that, if civilization is to survive, we cannot do with a world war every twenty-five years. At the same time, there are some evils which we judge to be even worse than war; we do not choose to secure peace by submission to Hitler. The problem is to find a way of

AHANG

سیاست - نگارش بر تلاند روسل

این مقاله که در خلال جنگ نوشته شده از اجاظ طرح ریزی سازمان ملل متفق واجد کمال اهمیت است.

امیدهای عالی

ما همه امیدواریم که وقتی این جنگ پایان
رسد راهی یافته شود که بتواند از وقوع جنگ
بزرگ دیگری تا مدت درازی جلوگیری کند.
آشکار است که اگر بنیاست تمدن بجای براند
نمی‌توان هر بیست و پنجسال یکبار یک جنگ
جهانی داشت. اما در عین حال بدبختیهای دیگری
هست که بنظر همه ما از جنگ بدتر است - ما
نمیخواهیم با تسلیم شدن به هیتلر صلح را بدست
آوریم - مسئله‌ای که در پیش داریم اینست که
بدون از دست دادن چیزهاییکه طبق عقیده عمومی
آهنگ

securing world peace without sacrificing anything that reasonable people think worth fighting for.

"Liberty" is a good watchword, but is not sufficient as an international principle. There should be liberty to do certain kinds of things, but not certain other kinds. Primarily, there should be no liberty to make aggressive war. It is obvious that this requires some supernational authority with a preponderance of armed force and a judicial body entrusted with the duty of pronouncing quickly whether, in a given case, aggression has taken place. It requires that most of the great powers shall be opposed to aggression, and shall be willing to punish it even when they are not directly concerned. All this could, at least for a time, be achieved by a prolongation of the alliance of the United Nations, with the admission, gradually, of such other nations as agreed with their aims. But in the long run something more explicit would become necessary.

If peace is to be secure, formal provisions against aggression will not be sufficient. There must be a diminution of the motives for aggression. This would require various changes.

1. Colonial territory not ready for self-government should be internationalized. This applies especially to Africa. The private imperialisms of England, France, Belgium

ارزش مبارزه را دارد صلح عمومی را تأمین نمائیم .

« آزادی ، شعار خوبیست اما از لحاظ یک اصل بین المللی کافی نیست . برای انجام بعضی امور آزادی لازم است ولی نه برای کلیه امور . در درجه اول برای اقدام بجنبه های تعرضی نباید آزادی داشت . بدیهی است که برای این منظور لازم است یک اقتدار فوق العاده داشت با نیروی مسلح کافی و هیئت قضائیه ای که بتواند در هر مورد رأی فوری صادر نماید که تعرض بعمل آمده است یا نه . و نیز بایستی اکثر دول بزرگ با تعدی و تعرض مخالف باشند و حاضر باشند متعرض را هر چند هم منافع آنها مستقیماً مورد تهدید نباشد تنبیه کنند . این منظور را میتوان لاقلاً تا مدتی با ادامه دادن به اتحادیه ای که دول متفق تشکیل داده اند عملی کرد . دولی را هم تدریجاً میتوان در این اتحادیه پذیرفت که هست که اصلاً در آن اتحادیه دول مطابقت داشته تمام این نکات را توضیح قطعاً تر و اساسی تری

دائمی را تأمین نمائیم تنها

بر ضد تعرض کافی نخواهد

بود . باید موجب و علل تعرض را تخفیف داد .

برای این منظور ایجاد تغییرات چندی لازمه

۱ - سرزمینهای مستعمراتی که هنوز برای

اداره خود آماده نیستند باید تحت نظارت بین المللی

واقع شوند . و این بخصوص شامل حال افریقا

میشود . سیاست جهانگیری انگلستان - فرانسه -

بلژیک و پرتغال رسم کهنه و پوسیده است و

دولیرا که مثل آلمان دارای مستعمره ای نیستند

بتعرض و تجاوز تحریص میکنند . هدف عالی باید

و اصل خود مختاری یعنی ، اداره امورشان

آهنگ

and Portugal are out-of-date and an encouragement to aggression on the part of countries which, like Germany, have no colonial possessions. Ultimate self-government should be the goal, and everything should be done to make it feasible as soon as possible; but in the meantime, joint administration by the civilized nations seems the nearest practicable approach to justice.

2. There should be free access for all to every important raw material. In the internationally administered colonial areas there should be no favoured nation as regards the investment of capital.

3. Certain places of great strategic importance, peace is in Suez and Panama Canals, of which nations League of Nations should have international authority, which should be the responsibility of all countries to contain them. section of the cities of international authority should be the responsibility of the United States, the British Commonwealth, Great Britain and the self-governing dominions), the U.S.S.R., and other countries should form an alliance to which, from time to time, they could invite other States to adhere. One condition of adherence should be that the State in question either is a democracy or has a constitution accepted by a majority of its citizens in a plebiscite conducted by the Alliance; another

AHANG

بوسیله خودشان، باشد و باید تا حدیکه ممکن است اقدام کنیم تا این سرزمینها باین هدف نائل شوند ولی در این اثناء و قبل از حصول این منظور بنظر میرسد عادلانه ترین راه آن باشد که اداره این سرزمینها را بدول متمدن بسپاریم.

۲ - همه دول باید آزادانه بهمه هوادخام دسترسی داشته باشند. در سرزمینهای مستعمراتی که اداره آنها در دست هیئت بین المللی است نباید از لحاظ بکار انداختن سرمایه برای یک دولت نسبت بدولت دیگر امتیاز و رجحانی قائل شد.

۳ - بعضی نقاط که از نقطه نظر لشکرکشی اهمیت زیاد دارند مثل کانالهای سوئز و پاناما - جبل الطارق و سنگاپور باید متعلق بقدرت حاکمه بین المللی باشند و قدرت حاکمه باید در این نقاط یادگانهائی نگهداری کند و در حفظ آنها بکوشد.

این قدرت حاکمه بین المللی باید اصلاً از دول متحده امپراطوری آزاد بریتانیا (یعنی بریتانیای کبیر و دو مینیسون های خود مختار آن) اتحاد جماهیر شوروی و چین تشکیل شود. آنها باید اتحادیه ای تشکیل کنند و باید بتوانند بتدریج دول دیگری را نیز برای پیوستن باین اتحادیه دعوت کنند. یکی از شرایط پیوستن با اتحادیه باید این باشد که دول مزبور یا دموکراسی باشند و یا رژیم داشته باشند که اکثریت افراد کشورشان آنها پذیرفته باشند و تمایل عمومی افراد این کشورها با اخذ آراء عمومی که توسط اتحادیه بعمل میآید تعیین میشود. شرط دیگر باید این باشد که در این کشورها نباید از نظر جغرافیائی عده متمركز باشند که استقلال و تجزیه خود را از دیگران ترجیح دهند.

وقتی که این شرایط موجود شد و دولتی

should be that it does not contain any considerable geographically concentrated group which would prefer to be independent of it.

These conditions having been fulfilled, and the State in question admitted to membership by the Alliance, its constitution should not thereafter be changed by force. It could, however, be changed by a plebiscite conducted by the Alliance, and such a plebiscite should be held whenever a sufficient demand for it had been proved, or, in any case, at periodical intervals, say every twenty-five years.

There should be important advantages in belonging to the Alliance. In the first place, protection against attack, for an attack on any member of the Alliance should be treated as an attack on the whole. The colonial regions would be available to members of the Alliance and to them only. There should be lower tariffs for goods passing from one country of the Alliance to another than for goods imported from outside the Alliance. In all such matters as loans, members of the Alliance should receive preferential treatment. The result would be that most nations would be anxious to qualify for membership.

Membership should be a privilege, and there should be no undue haste to make it world-wide. Given victory in the war, and continued co-operation among the present United

AMHANG

عضویت اتحادیه پذیرفته گردید رژیم آن نباید پس از آن با زور تغییر داده شود. ولی رژیم آن ممکنست با تمایل عمومی افراد که با اخذ رأی عمومی توسط اتحادیه بعمل میآید تغییر پذیرد و چنین اخذ رأی وقتی صورت خواهد گرفت که تقاضای کافی برای آن محققاً بعمل آمده باشد و یا در هر حال ممکنست در فاصلههای زمانی معین مثلاً هر بیست و پنجسال یکبار رجوع بآراء عمومی نموده باشد.

عضویت اتحادیه باید حقوق و مزایایی داشته باشد. مهمترین این مزایا باید حفاظت در مقابل حمله باشد زیرا حمله بر یکی از اعضاء اتحادیه مثل حمله بر همه آنان محسوب خواهد شد. نواحی مستعمراتی باید تنها در دسترس اعضاء اتحادیه قرار گیرد. برای کالاهائیکه از کشور غیر عضو وارد میشود تعرفه نازلتری مقرر داشت. در همه موارد از قبیل استقرارها باید با اعضاء اتحادیه حق تقدم داده شود. نتیجه این خواهد شد که بیشتر ^{را هم بدریج} در این بد که خود را شایسته ^{هست که اصلاً در} اتحادیه تمام این نکات را توجیام قطعی باشد که بدول داده

دائمی شتاب کرد که بزودی بر ضدل کرده. وقتی پیروزی بود. باید موجب و علل کمونی خواستند بهمکاری برای این منظور ایجاد تقیبه لافل در آغاز باندازه ۱ - سرزمینهای مستاشت که از وقوع جنگ اداره خود آماده نیستند بایدرو اتحادیه میتواند برای واقع شوند. و این ی خصوصاً نظیرا که برای عضویت میشود. سیاست بدانند گیر دارد.

بزرگ و پرت و اجرای مقاصد در صورتی است که دولیرا که ممانان دول متفق آنرا لازم بدانند گو اینکه ^{تعداد} ملی در اینراه بسیار شدید است. در بین ^{آهنک}

Nations, the Alliance would, at least at first, be strong enough to prevent war. It could, therefore, impose in the interests of continued peace whatever conditions of membership seemed desirable to that end.

All this could be accomplished if the statesmen of the United Nations considered it desirable, although the practical obstacles are very grave. In the most powerful nations the main obstacles are isolationism and pride of sovereignty. By "isolationism" I mean unwillingness to intervene in a dispute unless it quite obviously affects national interests. It is typified by Chamberlain's remark that Czechoslovakia was a long way off. Litvinov's dictum, "peace is indivisible," is one the truth of which nations learn slowly. We shall not get international government until governments of all countries, and a considerable section of the citizens in the leading Democracies, have become persuaded that the constant exercise of police power in every part of the world is the only way by which any important country can keep out of war. Until this is understood, the natural desire to relax after the effort of war will cause people to accept easy solutions and to fancy that nothing is needed beyond the temporary punishment of the defeated nations.

Pride of sovereignty is an even graver

AHANG

مقتدرترین ملل موانع مهم پیشرفت این نظر
علاقه سیاست کناره‌گیری و نخوت خود مختار بست .
منظور از سیاست کناره‌گیری اگر از مداخله در
دعوائیست که مستقیماً بمنافع ملی یک ملتی بر
نخورد مثلاً عبارت چمبرلین که گفته بود
'چکوسلواکی خیلی دور از ماست' این سیاست
را نشان میدهد . گفته لیتوینوف که 'صلح قابل
تقسیم نیست' یکی از حقایقی است که مدتی طول
خواهد کشید تا ملل بآن پی برند . ما میتوانیم
حکومت بین المللی دائر کنیم تا اینکه حکومت‌های
همه کشورها و عده بسیاری از افراد دمکراسی‌های
مهم متقاعد شوند که تنها راه جلوگیری از دخول
دولتی در جنگ داشتن و بکار انداختن قوای
تأمینیه کافی در همه قسمتهای جهان است .
مادام که باین حقیقت پی برده نشده است میل
طبیعی عامه باین است که پس از فشارهای دوره
جنگ برای حل‌های سهل و آسانی متمسک گردند و
گمان کنند که برای اصلاح جهان جز تنبیه موقت
دشمن مغلوب با اقدام دیگری احتیاج نیست .

اما نخوت خود مختاری مانع مشکل‌تر است .
مشکل است تصور کنیم امریکا یا بریتانیای کبیر
یا روسیه برای اطاعت از تصمیم بگ شورای
بین المللی وارد در جنگی شوند مگر اینکه
احساسات ملی نیرومند بر له چنین تصمیمی موجود
باشد . اما لازمه وجود قدرت حاکمه بین المللی
محدود شدن قدرت حکومت ملی کشورهاست .
در این مورد بهترین چیزی که میتوان امید داشت
آنست که همین اتحادیه‌ای که اکنون موجود
است ادامه یابد .

این بار دیگر پیروزی منحصر به انگلیسی و
امریکائی نخواهد بود . تنها روسیه بلکه در پشت سر
آهنگ

obstacle. It is difficult to imagine America or Great Britain or Russia going to war in obedience to a majority decision of an international council, unless there were a strong national feeling on the side of the decisions. But there can be no international authority without a limitation of national sovereignty. On this ground, I think the best that can be hoped is a prolongation of the present Alliance.

The victory this time will not be simply an Anglo-American victory. There will be not only Russia, but behind Russia there will be Asia. To fit Asia into any such international framework as America and England might desire will be difficult. I assume that India will be free, probably with some form of Pakistan. Hindu India will wish to co-operate with the Chinese; Mahomedan India will wish to collaborate with its more western co-religionists. Neither party will wish to have any pact with white men, whether European or American. Further, assuming Japan defeated in the present war, the victory will not be purely Western; a great part of the credit will go to China, which resisted Japan for years without outside help.

Hence Asia may be expected to demand more complete equality than heretofore. It will require considerable tact and liberality if

او آسیا نیز خواهد بود. ترتیب دادن وضع آسیا بصورتیکه مطلوب نظر انگلیس و امریکا باشد دشوار است. فرض میکنیم که هندوستان آزادی خود را بدست آورده و دارای یک منطقه مخصوص مسلمین باشد که پاکستان نامیده میشود در آن صورت آن قسمت از هندوستان که اکثریت با هندو باشد متقابل بهمکاری با چینیهها خواهد شد. از طرف دیگر مسلمانان با هم کیشان خود در مغرب توحید مساعی خواهند نمود و هیچیک از این دو دسته مایل بدخول در تعهداتی با اروپائیهها یا امریکائیهها نخواهد شد. گذشته از این فرض کنیم ژاپون در جنگ کنونی مغلوب شود غلبه بر ژاپون تنها بر اثر سعی و فعالیت مغرب زمین نخواهد بود بلکه قسمت اعظم افتخار شکست دادن ژاپون نصیب چینیان خواهد بود که پنجمین بدون هیچنوع کمک خارجی در مقابل او مقاومت کردند.

از اینرو احتمال میرود که آسیا در آتیه بیش از پیش تقاضای مساوات تام نماید اگر نخواهیم که این تقاضا منجر بدشمنی عمومی بین آسیائیهها از یکطرف و امریکائیهها و اروپائیهها از طرف دیگر شود باید در رفتار با آنان حسن سلوک زیاد و بلندی نظر وجود داشته باشد. ملل آسیائی ابتلائات بزرگ دارند. هندوستان - چین و ژاپون جمعیتشان زیاد و بی اندازه فقیرند. در عین حال برای مهاجرت بخارج بخصوص استرالیا و دول متحده امریکا دچار تضییقات شدیدی هستند و احتمال

this demand is not to lead to a general hostility of Asiatics towards Europeans and Americans. They have certain large grievances. India, China and Japan are over-populated and desperately poor; at the same time, they are severely restricted as to emigration, particularly to Australia and the United States. Neither Australia nor the United States is likely to alter its policy in this respect. But India and China are likely to increase their strength by industrialization, and sooner or later Japan will be allowed to revive.

I wish I could believe that we of the West shall adapt ourselves to this changed situation quickly enough to prevent a very dangerous division of the world into two hostile camps. This is, in my opinion, the greatest danger to world peace in the coming half-century. It is also a grave obstacle to the establishment of any effective supernational authority at the close of the war, since any such authority would probably seem to India and China a mere device for prolonging white supremacy.

There are two opposite forces that tend to produce great wars. On the one hand, there is the overweening ambition of the strong; on the other hand, there is the discontent of the less fortunate nations. In the present war, there will be not one victor, but four. This diminishes the danger of Imperialism; it

ALFANG

نیبرود که استرالیا و دول منحدہ امریکا هیچکدام سیاسترا کہ از این لحاظ پیش گرفته اند تغییر دهند. اما انتظار میتوان داشت که هندوستان و چین با ترقی دادن صنایع به نیروی خود بیفزایند و دیر یا زود به ژاپون نیز اجازه تجدید حیات داده خواهد شد.

کاش میتوانستم معتقد باشم که ما مغرب زمینها با سرعت لازم خود را با این وضعیت تازه سازش خواهیم داد بقسمیکه از تقسیم شدن جهان بدو ناحیه متخاصم جلوگیری شود. بنظر من در نیم قرن آینده بزرگترین خطری که صلاح جهان را تهدید میکند همین است. و نیز همین بزرگترین مانع است که در راه ایجاد یک قدرت حاکمه بین المللی در پایان این جنگ در پیش است. زیرا چنین قدرت حاکمه ای بنظر هندوستان و چین تمهیدی برای حفظ تفوق نژاد سفید جلوه خواهد کرد.

وجود دو نیروی متضاد هست که ممکن است جنگهای بزرگ را ایجاد کند. از یکطرف حرص و نخوت اقویا و از طرف دیگر ناراضی دول ضعیفی است که در مضیقه هستند. در جنگ کنونی بجای یک فاتح چهار دولت فاتح خواهد بود. این امر خطر امپریالیسم را تخفیف میدهد. ایجاد سازش را دشوارتر میسازد. اما با این وضع امید بیشتری میرود که پس از حل اختلافات دولت واحدی که بر دیگران تفوق بی اندازه داشته اند بوجود نیاید. اگر سیاستمداری عاقلانه بکار رود

آنگک

makes the immediate task of adjustment more difficult, but gives more hope of a settlement leaving no one power unduly preponderant. Given wise statesmanship, there is considerable hope that the Imperialism of the strong may be kept in check. The discontent of the weak, however, will present very difficult problems.

There will be, to begin with, the defeated nations. The world will not be tolerably secure until Germany and Japan have some measure of contentment without any chance of conquest, and this will probably require a generation of re-education. But there is another problem which will be more immediate, namely, what to do with the nations that Germany has conquered. Poland—to take the worst case—has been made to suffer appallingly, and is, presumably, filled with a passionate and vindictive hatred of the Germans. However deeply we may sympathize with Poland, it would be unwise to allow our sympathies to hurry us into unstatesmanlike acts of revenge. Some Poles, for instance, urge that East Prussia should be given to Poland. This would merely reproduce on a larger scale the troubles at Danzig which precipitated the present war.

There will be troubles also in the Balkans; the Yugoslavs will probably wish to be reward-

میتوان امید داشت که امپریالیسم اقویا محدود شود. اما با وجود این عدم رضایت ضعفا مسائل مشکلی ایجاد خواهد کرد.

نخست وضعیت دول مغلوب پیش میآید. تاوقتیکه برای آلمان و ژاپون تا حدی رضایت خاطر فراهم نشود با رعایت اینکه فرصت دیگری برای تعرض بآنها داده شود نظم و امنیت جهان ناقص خواهد بود. و برای تحصیل این منظور شاید تربیت و تعلیم جدیدی برای این دو ملت تا یک نسل دیگر لازم خواهد بود. اما مسئله دیگری هست که توجه فوری تری لازم خواهد داشت و آن اینست که با دولیکه آلمان مغلوب کرده است چه باید کرد. اگر بدترین مثال را ذکر کنیم لهستان را میتوانیم در نظر بگیریم که رنجهای طاقت فرسا دیده است و بنظر میرسد بغض و کینه شدیدی از آلمانیها در دل داشته باشد هر قدر بخواهیم با رنجها و مشقات لهستان همدردی کنیم نباید این تاثر و همدردی ما را سیاست غیر عاقلانه انتقام سوق دهد. مثلاً بعضی از لهستانیها اصرار دارند که پروس شرقی بلهستان داده شود. این کار دوباره همان اختلافات داتنریک را تجدید خواهد کرد که بیش آمد جنگ کنونی را تسریع نمود.

در بالکان نیز مشکلاتی ایجاد خواهد شد. چکوسلاوها محتمل است بخواهند بعنوان پاداش قسمتهائی از مجارستان و بلغارستان بآنها داده شود و قس علیهذا در بالکان اصل آزادی و خودمختاری بدردم نمیبخورد. در اینجا باید راه حل برای رفع اختلافات ارضی بر آنها تحمیل شود و یا هرکس که بخواهد از این راه حل سر پیچی کند بسختی معامله شود. اما این

ed at the expense of the Hungarians and Bulgarians, and so on. In the Balkans the liberal principle of self-determination satisfies no one. There will have to be an imposed territorial settlement with severity toward all who try to upset it. But the settlement itself should be as nearly just as the complicated racial situation allows.

Small states, as the course of the war has shown, can only survive through the protection of great states, and in return for such protection the small states should be required to accept certain obligations. They must accept whatever territorial settlement is arrived at. They must be compelled, for certain purposes (especially tariffs), to unite in a federation with their neighbours. What is more difficult, they must be required, when the international authority judges it necessary, to accept the protection of a foreign garrison which should not be drawn from only one nation. We cannot risk again the piecemeal conquest of one small nation after another, while those who wish to save them from conquest are compelled to look on helplessly.

In conclusion: while there is not much hope of a settlement at the end of the war which will deal radically with the problem of future wars, there is hope of a settlement

(Continued on page 45)

حل اختلاف باید با رعایت اختلاطهای نژادی آنجا حتی الامکان عادلانه باشد.

☆ ☆ ☆

چنانکه جریان جنگ نشان داده است کشورهای کوچک تنها در تحت حمایت کشورهای بزرگ میتوانند محفوظ بمانند و در مقابل این حمایت دول کوچک هم باید تکالیف چندی را بعهده گیرند. آنها باید راه حلی را که برای اختلافات ارضی آنها پیشنهاد میشود بپذیرند. باید مجبور شوند که برای منظورهائی چند (مخصوصاً در موضوع تعرفه‌ها) با همسایگان خود تشکیل اتحادیه‌هائی دهند. آنچه که دشوارتر است اینست که این دول باید قبول نمایند که هنگامیکه قدرت حاکمه بین المللی لازم بداند پادگانه‌های خارجی که افراد آن فقط مرکب از یک دولت نباشند خاک آنها را حراست کنند. ما دیگر نمیتوانیم خود را در معرض این خطر قرار دهیم که یک دولت کوچک پس از دیگری توسط دولت زور مندی تسخیر و تصاحب شود. و آنائیکه میخواهند این دولت ضعیف را کمک کنند دست بسته بآنها نظر نکنند. در خاتمه هر چند امید زیادی نیست که در پایان این جنگ اختلافات چنان حل شود که کاملاً از جنگهای آینده جلوگیری شود ولی امید می‌رود نظمی برقرار شود که تا مدت مدیدی جنگ بزرگی رخ ننماید. در حل مسئله امپریالیسم (بقیه در صفحه ۴۵)

would have seemed not only outrageous and revolutionary but also impracticable and unworkable are now commonplaces of discussion and familiar matters of experience. Some people think a neat solution for this country would be a fifty-fifty system, fifty per cent. of privately controlled enterprise and fifty per cent. of publicly controlled. It is not our business to argue about this now, but obviously new and different ideas about public control of industry are in the air.

From "The Listener"

که سابقاً نه تنها تعرض آمیز و انقلابی بلکه غیر قابل عمل و انجام نشدنی بنظر میامد اکنون از مسائلی است که همیشه مورد بحث قرار گرفته و موضوعات کاملاً آشنائی است بعقیده بعضی راه حل صحیح اینگونه امور در این کشور سیستم پنجاه پنجاه است یعنی پنجاه در صد امور بطور خصوصی نظارت شده و پنجاه در صد دیگر بتوسط عامه نظارت گردد. بهر حال این وظیفه ما نیست که فعلاً در این باره بحث کنیم. اما بطور واضح در باره نظارت عمومی افکار و عقاید جدید و گوناگونی در پیش است.

GREAT HOPES (Contd. from page 58)

which will prevent another large war for a considerable period of time. Much may be done to solve the problem of private imperialism and the problem of small independent nations. There is every reason to expect that the settlement will do justice to Asia by removing all outside control except possibly such control by an international authority as ought to exist everywhere.

These hopes I believe to be not Utopian, and, if realised, they will be the beginning of a new system through which the peace may gradually become secure.

AHANG

امید عالی (بقیه از صفحه ۵۸)
خصوصی مال و مسئله کشورهای مستقل کوچک کارهای بسیار میتوان کرد. دلائل بسیار داریم که بموجب آن میتوان انتظار داشت که در این حل اختلاف با رفع نفوذ و دخالت خارجیها نسبت با آسیا هم با عدالت رفتار شود. مگر البته دخالتیکه از طرف قدرت حاکمه بین المللی است باید در همه جا وجود داشته باشد.

تصور میکنم که این امیدواریها که فوقاً شرح داده شد فقط خواب و خیال نباشد و اگر این امیدها عملی شود نظم نوینی آغاز میشود که بوسیله آن صلح تدریجاً استقرار خواهد یافت.

آهنگ